



تحلیل بحران‌های امنیتی خاورمیانه در افق ۲۰۳۵^۱

سید حمزه صفوی^۲ - محمدرضا محمدی^۳ - علیرضا ثمودی^۴

چکیده

خاورمیانه یکی از مناطق حساس و استراتژیک جهان است. ذخایر عظیم انرژی، دریاها و راه‌های ارتباطی و همچنین وسعت گسترده و جمعیت زیاد آن، این منطقه را به منطقه‌ای کانونی در معادلات سیاسی و ژئوپلیتیکی تبدیل کرده است. در این میان اختلافات قومی و مذهبی، تنش‌های تاریخی بازممانده از دوران استعمار، مشکلات زیست‌محیطی و تمایل قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای بهره‌برداری از ظرفیت نیروهای هویت بنیاد، در راستای تقویت موضع خود در منازعات ژئوپلیتیکی، بر شدت این بحران‌ها افزوده است. در پاسخ به این پرسش: «مهم‌ترین بحران امنیتی خاورمیانه کدام است و این بحران‌ها تا افق ۲۰۳۵ میلادی به کدام سمت می‌روند؟»، مقاله فرضیه زیر را ارائه می‌دهد: «تلاقی و درهم تنیدگی بحران‌های فعلی خاورمیانه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی، اجتماعی و زیست‌محیطی، خیزش نیروهای هویت بنیاد زیرملی و فراملی، معضلات اقتصادی، ضعف ساختاری دولت-ملت، نهایتاً رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین مشکلات زیست‌محیطی، بحران‌های ژئوپلیتیکی اصلی خاورمیانه را تشکیل می‌دهد، که برخی از آن‌ها طی ۱۵ سال آینده تشدید خواهد شد.» روش انجام تحقیق حاضر کمی-کیفی است و یافته‌های پژوهش حاکی از آنست که بیکاری، آلودگی هوا، کم‌آبی، فرقه‌گرایی، بحران، هویتی، مشکلات جمعیتی، پناهندگان و آوارگان داخلی، بحران بدهی، وابستگی رانتی، فرار مغزها، بحران تقسیم آب، بحران‌های مرزی و ارضی، تنش با همسایگان و کشورهای منطقه، بحران نقض حقوق بشر، بحران عدم کنترل مؤثر بر بخشی از زمین، فعالیت گروه‌های تروریستی، فعالیت احزاب سیاسی رادیکال اسلام‌گرا، وضعیت دموکراسی اصلی‌ترین بحران‌های کشورهای منطقه تا سال ۲۰۳۵ خواهد بود.

واژگان کلیدی: بحران، امنیت، خاورمیانه، ژئوپلیتیک

DOI: 10.27834/CSIW.2312.1320.3.30.6

^۱ این مقاله مستخرج از پژوهش بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام است که در مرکز آینده پژوهی جهان اسلام در سال ۱۳۹۸ در طی ۱۸ ماه انجام شده است.

^۲ نویسنده مسئول: استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران hamzeh.safavi@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران mohammadrezamohammadi13681989@gmail.com

^۴ استادیار پژوهشگاه مطالعات راهبردی، تهران، ایران alirezamoudi@gmail.com

شماره ۳ (۳۰)

سال ۱۰
پاییز ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۹/۱۰
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۱/۰۳
صص: ۱۲۳-۱۴۵



خاورمیانه در مقطع کنونی، کانون طیف وسیعی از بحران‌های ژئوپلیتیکی است، به گونه‌ای که عنوان می‌شود که ساختار سیاسی ترسیم شده در معاهده سایکس-پیکو به صورت جدی در معرض تحول قرار گرفته است. به این معنا خاورمیانه شاهد وضعیتی است که برخی نظریه پردازان از آن تحت عنوان «سیالیت ژئوپلیتیکی» یاد می‌کنند (Hafeznia, 2010: 2-3). خاورمیانه به‌عنوان منطقه استراتژیکی از مناطق بحران‌زا است که به علت جغرافیای سیاسی خاص و منافع ملی قدرت‌های بزرگ همواره دچار چالش و تنش بوده است. از آنجایی که ایران در این منطقه قرار دارد و امنیت ملی مهم‌ترین خواسته یک دولت-کشور است. مداخلات خارجی و تهاجم نظامی، درهم شکستن دولت‌های اقتدارگرای عرب در جریان مداخله نظامی آمریکا و همچنین وقوع انقلاب‌های عربی، چالش‌های عمیق اقتصادی، خیزش نیروهای قومی و مذهبی، اهمیت یافتن دوباره مناسبات و ترتیبات قبیله‌ای، قلیان خشونت، انحطاط بسیاری از جوامع خاورمیانه، مشکلات عمده‌ی زیست محیطی، ذخایر عظیم انرژی و نهایتاً رقابت‌های منطقه‌ای حول هویت، همگی نشان دهنده دورانی از حیات خاورمیانه است که در آن بحران جزئی جدا نشدنی از این منطقه است. در این حال می‌توان گفت این حجم بحران‌ها در این سطح در تاریخ خاورمیانه بی‌سابقه است (Oberschall, 2007: 100). بحران فعلی خاورمیانه که با تعبیر گوناگونی چون بیداری اسلامی، بهار عربی و... از آن یاد شده نیز مورد تحلیل‌های گوناگونی قرار گرفته است. با این حال و به حسب وضعیت موجود در عرصه بین‌الملل نباید با تأکید صرف به مسائل داخلی با نادیده انگاشتن عوامل ساختاری، وقایعی که امروز در بسیاری از کشورهای عربی-اسلامی منطقه چون بحرین، سوریه، یمن، عربستان، لبنان، فلسطین و اردن همچنان ادامه دارد را تنها تحت تأثیر عوامل داخلی دانست. نکته دارای اهمیت آنست که بحران فعلی در خاورمیانه بیش از هر چیز تحت تأثیر کدامین عوامل است؟ واقعیت آنست که خاورمیانه دستخوش بحران‌های متنوعی است. در ابتدا باید توجه داشت که این منطقه با توجه به اینکه کانون ظهور ادیان جهان بوده است، لذا دارای پیچیدگی‌های گسترده فرهنگی است. تنوع قومی-مذهبی در این منطقه باعث شده است که تنش‌ها در سطوح فروملی، ملی و منطقه‌ای مشهود باشد. اختلافات قومی و مذهبی موجودیت ساختارهای سیاسی خاورمیانه را با مخاطره مواجه کرده است. در ابعاد قومی جغرافیای این منطقه محل زیست اقوام و نژادهای متنوعی است. در خاورمیانه

و جهان اسلام اقوام عرب، فارس، ترک و سایر اقوام موجود زیست می کنند. تنوع‌های فرهنگی این اقوام باعث شده است که این منطقه به سمت رقابت‌های فرهنگی سوق پیدا کند و هر کدام از اقوام در راستای قلمرو سازی برای فرهنگ و آداب و رسوم خود گام بردارند. در بعد مذهبی قلمرو خاورمیانه بین دو گروه عمده مذهبی شیعی و سنی تقسیم شده است. یکی دیگر از بحران‌های ساختاری در خاورمیانه مشکلات مربوط به حوضه‌های آبی مشترک و رودخانه‌های مرزی مشترک و هم چنین پدیده گرد و غبار است. با توجه به اینکه منطقه خاورمیانه جزء مناطق خشک جهان محسوب می شود و همچنین رودخانه‌های مرزی و حوضه‌های آبریز از مرزهای سیاسی پیروی نمی کنند، لذا آب‌های مشترک زمینه را برای ایجاد کشمکش و مشکلات مربوط به آب هموار می سازد به طوری که مسائل هیدروپلیتیکی این پتانسیل را دارد که به عنوان یک بحران ژئوپلیتیکی چالش‌های خاورمیانه را بیشتر کند. یکی دیگر از بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه، مسائل مربوط به ژئواکونومیک است. به تبعیت از نظریه ثبات هژمونیک بحران‌های فعلی بین‌المللی را که همزمان با ورود نظام بین‌الملل به هزاره سوم از شدت بیشتری برخوردار شده است باید تحت تأثیر افول هژمونی دولت هژمون آمریکا دانست. بر این اساس و با توجه به جایگاه ویژه خاورمیانه در معادلات بین‌المللی ایالات متحده آشوب‌های خودساخته و برساخته موجود در بسیاری از کشورهای خاورمیانه را باید در رابطه با منافع ملی دولت ایالات متحده و هم پیمانان آمریکا مورد ارزیابی قرار داد. رقابت برای فروش نفت در بین کشورهای نفت خیز منطقه، مانع ایجاد همکاری‌های اقتصادی شده است و از طرف دیگر منابع انرژی مشترک در نواحی مرزی و میزان بهره‌برداری کشورها از آن یکی دیگر از بحران‌های ژئواکونومیک خاورمیانه است. قدرت‌های جهانی بحران‌ها و تنش‌های موجود در مناطق حساس جهان از جمله در خاورمیانه و جهان اسلام را برای تأمین منافع خود بکار می برند. بحران‌های قومی-مذهبی و به طور کلی بحران‌های اجتماعی، بحران‌های ژئواکونومیک و رقابت‌های اقتصادی بین قدرت‌های منطقه‌ای و بحران‌های آبی در خاورمیانه با توجه به مشکلات آب، زمینه را برای حضور و نفوذ قدرت‌های جهانی فراهم کرده است و این قدرت‌ها با تشدید بحران‌ها؛ در حال بهره‌برداری از منابع این منطقه بوده و مانع همگرایی منطقه شده‌اند. به طوری که امروزه مشاهده می شود که با تشدید حضور نظامی و اقتصادی قدرت‌های جهانی، این منطقه روز به روز ابعاد تازه‌ای از هم گسیخته‌ای بر خود گرفته و این بحران‌ها در حال گسترش هستند. اهمیت موضوع باعث شد تا

تحلیل بحران‌های امنیتی خاورمیانه در افق ۲۰۳۵

تیمی از پژوهشگران در پژوهش‌های، تلاش کنند در صدد یافتن اصلی‌ترین بحران‌های امروز ۱۷ کشور خاورمیانه، و چشم‌انداز ۲۰۳۵ این بحران‌ها برآیند.

۱- چارچوب مفهومی: بحران شناسی

در سال‌های اخیر حوزه پژوهش بحران شاهد پیشرفت‌های قابل توجهی بوده است. به‌عنوان نمونه، از وابستگی این حوزه از پژوهش به ریشه‌های عقلانی کاسته شده است و وجه صرف به گزینه‌های مصیبت بار و غم انگیز و تصمیمات عاجل (به‌عنوان بحران) جای خود را به درک گسترده‌ای از مراحل دیگری که در طول بحران و نتایج و پیامدهای آن اهمیت دارند، داده است. حوزه مطالعات بحران، دائماً با حجم زیادی از مطالعات موردی جدید که به صورتی فزاینده از وجوه و چشم‌اندازهای مختلف و چند بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرند، تقویت می‌شود.

جیمز رابینسون مدعی «عدم وجود نظریه بحران» است (Robinson, 2002:27). با این وجود، بسیار از تحلیل‌گران روابط بین‌الملل چندین سال تلاش خود را برای دستیابی به درک بهتری از رفتار در طول بحران‌ها و کسب بینش‌های عمیق‌تری در مورد علت منجر شدن برخی از بحران‌ها به جنگ، حل مسالمت‌آمیز برخی دیگر و علت کوتاه‌تر بودن طول مدت برخی بحران‌ها نسبت به برخی دیگر صرف کرده‌اند (Hermann, 1969: 414).

در یک تعریف کلی باید گفت، بحران عاملی است که به طور جدی ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین یک سیستم را تهدید می‌کند و به موجب آن، اتخاذ تصمیمات در شرایطی کاملاً بی‌ثبات و محدود (از نظر زمانی) ضروری می‌شود (Rosenthal and others, 1989: 10). این تعریف، دو سنت متمایز و مختلف پژوهشی را با هم تلفیق می‌کند: ادراک بحران به مثابه مقطعی از بی‌نظمی و اختلال که نشانگر نقطه افتراق در یک فرایند خطی الگودار است و شیوه سنتی و کلاسیک که بر پژوهش‌های علم جامعه‌شناسی و سیاست مبتنی است را شامل می‌شود.

بحران‌ها نوعاً به‌عنوان «تهدید جدی» شناخته می‌شوند (Raphael, 1986: 26). تهدیدات بحران به طور مساوی به شرایطی اشاره می‌کنند که عاری از خرابی و ویرانی جمعی ملموس است، اما در عوض مشخص‌کننده خطرات نامرئی‌اند یا به طور غیرمستقیم قابل مشاهده هستند (Erikson, 1994: 12). چنین مصیبت‌های بدون نشانه و علامت، ممکن است بر عملکرد یک جامعه

یا دولت یا اجتماع آثاری بس ویرانگر داشته باشند. با این دیدگاه، تهدید بحران را می توان نوعی اضطراب جمعی، تعریف نمود (Baron, 1969: 17).

یک معنی دقیق تر که کاملاً مورد تأیید منطق و عقل است، اشاره می کند: بحران می تواند پیش نیازی برای تحولات کلان در کشورها و تشکیلات محافظه کار تلقی شود. بنابراین نمی توان بحران را به صورت مطلق مورد مطالعه قرار داد. بحران امری نسبی است و موجب بروز ادراکات و تعاریف چند بعدی (اگر نگوئیم مغایر و متضاد) از یک پدیده می شود. بحران به دلیل ساختار اجتماعی و سیاسی اش باید به مثابه یک حقیقت چند وجهی مورد بررسی قرار گیرد. ویژگی دیگر بحران عبارت است از تردید و بلا تکلیفی، یا آنچنان که درور^۱ مدعی است، غیر قابل تصور بودن، و این ویژگی ممکن است به طبیعت خاص تهدید یا به پاسخ های اولیه و مبرم مردم ربط داشته باشد، یا ناشی از پویایی شرایط و پیامدهای آتی بحران باشد (Dror, 1999: 151). بحران های قواعد را به هم می ریزند و اصول متعارف ذهنی را اگر جنبه منفی به آن ها ندهند، بی ثمر می کنند. بحران ها همچنین القاء کننده نوعی احساس «اضطرار و فوریت»، بخصوص برای مدیران بحران هستند. البته فرصت هایی را هم برای تصمیم گیری ایجاد می کنند (Robinson, 1969: 81).

بنابراین، بحران ها، قسمتی از یک فرایند پویا هستند که یک سیستم را از وضعیتی موقتی و زود گذر به وضعیت دیگر تغییر می دهند. این فرایند عبارت است از تعامل با تبادل اطلاعات، ایده ها، الگوها و امکانات. فرایند فوق می تواند یک روند افزایش خطی را پیدا کند که از یک آستانه به آستانه دیگر حرکت می کند و به وضعیت مصیبت بار پیچیده ای مبدل می شود. (Hills, 1998: 164). در یک تعریف قدیمی تر از بحران، که مقبولیت زیادی دارد و توسط راینسون و هرمان تدوین گردیده وجود سه عنصر مسلم فرض شده است: ۱- مورد تهدید بودن اهداف بسیار اولویت دار در واحد تصمیم گیری؛ ۲- محدود بودن زمان موجود برای پاسخگویی و ۳- غافلگیری (Hermann, 1969: 414). اما منظور از «بحران» در پژوهش حاضر عبارت است از خروج از وضعیت تعادل به گونه ای که آسیب هایی را به دنبال داشته باشد که بازگشت به حالت تعادل را با دشواری همراه می کند.

¹ Dror

۲- روش پژوهش

چارلز مک کللند، یاد آور شده است که تحلیل گران رفتار در بحران‌های بین‌المللی، حول پنج رویکرد گرد آمده‌اند: ۱- شناسایی بحران؛ ۲- دسته‌بندی انواع بحران‌ها؛ ۳- بررسی غایات، اهداف و مقاصد مطرح در بحران‌ها؛ ۴- تصمیم‌گیری تحت شرایط فشار عصبی ناشی از بحران و ۵- مهار و مدیریت بحران (McClelland, 1977:15). در واقع با استناد به گفته‌ی مک کللند، پژوهش حاضر بر مرحله اول و دوم بحران‌ها تمرکز کرده است. در گام نخست پژوهش برای ایجاد مدلی دقیق و علمی برای سنجش بحران‌های کشورهای خاورمیانه، توسط تیم پژوهشگران؛ تلاش نموده است با ارائه اطلاعات پایه‌ی ۵۷ کشور اسلامی در قالب اینفوگرافی و بررسی ۲۲ شاخص جهانی در خصوص آن‌ها در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری، حقوق بشر و زیست محیطی و نیز مقایسه جهان اسلام با سه منطقه اتحادیه اروپا، مرکوسور و بیرهای آسیا تصویری به نسبت دقیق از وضع موجود جهان اسلام و مقایسه آن با کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مبتنی بر آمارهای جهانی ارائه دهد.

اگرچه در یک نگاه کلی شاخص‌ها و آمارهای جهانی به عنوان نتیجه‌ی کار علمی بخشی از خرد بشری، قابل اعتنا بوده و به عنوان حداقل داده‌ی موجود می‌تواند مبنای مقایسه قرار گیرد، اما درخصوص آمارهای اجتماعی و فرهنگی، به بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی بومی کشورها معمولاً کمتر توجه می‌شود، و این که برخی کشورها اساساً زیرساخت آمارگیری دقیق ندارند یا به عمد آمار اشتباه ارائه می‌دهند، و همچنین بنیان‌های فکری تولید شاخص‌ها و نیز در خصوص این که چه متغیرهایی می‌توانند به عنوان شاخص یک موضوع قرار بگیرند، میان کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته و نیز در کشورهایی با فرهنگ متفاوت با یکدیگر تفاوت وجود دارد. بنابر آنچه بیان شد، نیاز به یک مطالعه بومی در خصوص مسایل خاورمیانه احساس شد.

مسئله دیگر این است که چه چیزی باید مورد مطالعه قرار گیرد؟ واقعیت امر این است که خاورمیانه امروزه درگیر بحران‌های متعدد است و هرگونه برنامه‌ریزی برای آینده‌ی این منطقه، بدون شناخت عمیق بالینی از وضع موجود و بحران‌هایی که کشورهای اسلامی با آن درگیر هستند، تلاشی نه چندان موفق خواهد بود. بنابراین برای تدوین هرگونه راهبرد، داشتن تصویری کلان از بحران‌ها، وزن و تأثیر آن‌ها در کشور مربوطه و در منطقه خاورمیانه، امری ضروری است تا بتوان با تکیه بر

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

مطالعات علمی دقیق و کارشناسی، اشراف بر وضعیت کشور به کشور و منطقه‌ای و نیز تحلیل بحران-های پر بسامد، نقطه‌ی آغاز حرکت به سمت تدوین استراتژی حل بحران را درست و به موقع انتخاب کرد. بر این مبنای، گام دوم مطالعه با پژوهش «تصویر جامع بحران‌های جهان اسلام» برای تعمیق مطالعه و نیز نگاه درونی به مسائل جهان اسلام، تعریف و اجرا شد. همانگونه که پیشتر اشاره شد، منظور از «بحران» در مقاله حاضر عبارت است از خروج از وضعیت تعادل به گونه‌ای که آسیب‌هایی را به دنبال دارد که بازگشت به حالت تعادل را با دشواری همراه می‌کند.

در روند مطالعه بحران‌های کشورهای اسلامی خاورمیانه، با توجه به گستردگی حجم کار، محدودیت زمانی، محدودیت اطلاعات قابل اعتنای در دسترس و محدودیت منابع مالی، تصمیم به تقسیم پژوهش مذکور به چهار مرحله شد و مرحله اول به مطالعه ۱۸ کشور از غرب آسیا و شمال آفریقا (شامل زیر مناطق شامات، خلیج فارس، شمال آفریقا، و پاکستان و افغانستان) پرداخت. البته بررسی وضعیت بحران‌های چهار کشور یمن، الجزایر، فلسطین، به دلایل پیش گفته به فاز دوم پژوهش موکول شده است.

این مطالعه در سه گام اصلی انجام پذیرفت. در گام نخست، در پویش کلی بحران‌های سیاسی، نظامی-امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی کشورهای مورد مطالعه خود را از منابع مکتوب کتابخانه‌ای به زبان انگلیسی فارسی و عربی احصاء و در قالب جدولی آماده کردند. این جمع‌آوری و پردازش اطلاعات در چارچوب مدل استاندارد STEEPV در شش مولفه اجتماعی (S)، فناورانه (T)، اقتصادی (E)، زیست محیطی (E)، سیاسی (P)، و ارزشی (V) صورت می‌گیرد. البته در مراحل بعدی، فناوری و ارزشی در ذیل دیگر جنبه‌ها قرار گرفت. در گام دوم جهت تأیید روایی و پایایی بحران‌های هر کشور و همچنین وزن‌دهی به هر بحران به ۴ کارشناس متخصص هر کشور (اعم از دانشگاهی و اجرایی) مراجعه شده است. در این بخش تلاش شد تا سه چهارم خبرگان مصاحبه شده برای هر کشور از بخش اجرایی (سفر و دیپلمات‌های سابق اعم از کاردار، وابستگان نظامی و...) باشد هر یک از مصاحبه‌شوندگان وضعیت بحران را در طیفی از ۱ تا ۱۰ برای دو زمان اکنون و افق ۲۰۳۵ میلادی وزن‌دهی کردند. سپس یک گروه پژوهشی ۴ نفره، جداول شامل بحران‌های وزن‌دهی شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. در این مرحله ابتدا درخت‌واره کلیه بحران‌ها (۸۶ بحران) تهیه شد و سپس بر اساس تکرار مصادیق و عمومیت، ۱۸ بحران به‌عنوان بحران‌های اصلی منطقه

تحلیل بحران‌های امنیتی خاورمیانه در افق ۲۰۳۵

غرب آسیا و شمال آفریقا بدست آمد. شایان ذکر است در این پژوهش با ۶۲ نفر کارشناسان و نخبگان دانشگاهی و نخبگان علمی مصاحبه صورت گرفته و مراحل مذکور حدود ۳۱۰۰ نفر ساعت زمان برده است.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

گلن اسنایدر اعتقاد دارد که بحران یکی از وجوه مشخصه‌ی سیاست بین‌الملل است و همواره در سیاست بین‌المللی از جایگاه محوری برخوردار بوده است. بحران یک لحظه از حقیقت است که در آن چندین عنصر ناپیدا «همچون ترکیب‌بندی‌های قدرت، منافع، تصورات و جبهه‌بندی‌ها و تعارضات داخلی روشن‌تر گردیده و حول یک موضوع واحد، فعال و متمرکز می‌شود.» (Snyder, 1977: 88). همان‌گونه که اسنایدر معتقد است بحران‌ها در درون ساختارهای سیستمی مختلف پا گرفته، بروز کرده و حل می‌شوند و معمولاً شامل روابط درون و میان اتحادیه‌ها یا ائتلاف‌های مرکب از دولت‌ها و بازیگران داخلی هستند.

جاناتان رابرتس در باب تفاوت منازعه و بحران، معتقد است منازعه، حتی اگر به تغییرات مهمی در سیستم منجر شود، حداقل برخی از متغیرهای حیاتی برای حفظ الگوی موجود روابط بین بازیگران را در خود دارد. اما بحران فقط پتانسیل تغییر در سیستم را دارد و بنابراین به عنوان بی‌ثبات ساز بالقوه عمل می‌کند (Roberts, 1988: 141). البته تغییر واقعی نیز به حضور عوامل مختلفی از جمله ماهیت متغیرهای تعدیل‌کننده، فاکتورهای بی‌ثبات ساز موجود، و فنون متحول مدیریت بحران بستگی دارد. بر اساس این نظریه هر بحرانی به تغییرات مهمی منجر می‌شود و نه هر تغییر مهمی بحران است. البته نباید فراموش کرد که درجه‌ی شدت روابط بین حریفان نیز مهم است. در واقع منازعه پیوسته بین حریفان با درجه‌ی شدت مداوم را نمی‌توان بحران نامید، اما افزایش ناگهانی این درجه ممکن است به بحران منجر شود. می‌توان گفت کارکرد سیستمی مطالعات بحران‌ها این است که منازعات بیش از حدی را که از طریق دیپلماسی معمول قابل حل نباشد و در گذشته از طریق جنگ حل شده را بدون خشونت یا حداقل با ممکن خشونت حل و فصل کند.

همان‌گونه که ذکر شد، روند طی شده در پژوهش «تصویر جامع بحران‌های جهان اسلام» بدین شکل بود که در گام نخست، کشور مورد نظر توسط کارشناس مسائل آن کشور مورد بررسی عمیق

قرار گرفته و بحران‌های آن در زمینه‌های سیاسی-امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی استحصال شد. در گام دوم این بحران‌ها با مصاحبه‌های عمیق به قضاوت خبرگان و متخصصین دانشگاهی و اجرایی آن کشورها گذاشته شد و پس از اصلاح و تکمیل لیست بحران‌های هر کشور، وزن‌دهی تأثیر بحران در زمان حال و در افق ۲۰۳۵ صورت پذیرفت. در نهایت یک کارگروه پژوهشی، جداول شامل بحران‌های وزن‌دهی شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند.

۳-۱- بیکاری

بیکاری از جمله بحران‌هایی است که منطقه منا سال‌هاست با آن درگیر است (Krishna, 2020). با تحلیل صورت گرفته در این پژوهش، مشخص می‌شود علی‌رغم این که به نظر می‌رسد مراکش می‌تواند در افق ۲۰۳۵ از وضعیت «متوسط» فعلی به سمت وضعیت بحرانی «کم» پیش رود، ایران که در حال حاضر در وضعیت «متوسط» بحرانی قرار دارد، به سمت وضعیت «زیاد» حرکت خواهد کرد. در همین حال کشورهایی چون عربستان سعودی، پاکستان، عمان وضعیت بحران «متوسط» فعلی را حفظ خواهند کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که افغانستان می‌تواند در افق ۲۰۳۵ سطح بحران بیکاری را از «متوسط» کنونی به سمت «کم» میل دهد. اما بحرانی‌ترین کشورها در بیکاری، کشورهای عراق، اردن و بحرین با حد بحران «بسیار زیاد» هستند که پیش‌بینی می‌شود این سطح در افق ۲۰۳۵ هم ثابت بماند (صفوی، ۱۴۰۰: ۵۶).

۳-۲- آلودگی هوا

در خصوص بحران آلودگی هوا، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که اکنون مصر، عمان، افغانستان، عراق، ایران و پاکستان دارای بیشترین میزان آلودگی هوا هستند. در افق ۲۰۳۵ پاکستان با همان میزان آلودگی متوسط باقی خواهد ماند، ایران از حد متوسط کنونی به سمت آلودگی هوای «زیاد» خواهد رفت. آمار مؤسسه مطالعاتی شرق، در صد رو به رشد آلاینده‌گی هوای طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ را ۵۹٪ پیش‌بینی می‌کند (Tadic, 2022: 11) عمان از حد «بسیار کم» کنونی به سمت «متوسط» میل خواهد کرد. همچنین کشور عراق از حد «متوسط» کنونی به سمت آلودگی هوای «زیاد» خواهد رفت. علی‌رغم اینکه اکنون سطح آلودگی هوای مصر در حدود «متوسط» طبقه‌بندی می‌شود، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که این سطح در سال ۲۰۳۵ به سمت افزایش پیش خواهد رفت. سطح آلودگی

تحلیل بحران‌های امنیتی خاورمیانه در افق ۲۰۳۵

هوای افغانستان نیز که امروز «متوسط» است به سمت «زیاد» شدن پیش خواهد رفت (مرکز آینده پژوهی جهان اسلام، ج، ۱۳۹۹).

۳-۳- کم آبی

به واسطه دگرگونی های ناشی از تغییرات اقلیمی (گرمایش بالاتر از متوسط جهانی، کاهش بارش، افزایش تبخیر) و مداخله‌های انسانی (افزایش تقاضای مصرفی، احداث سازه‌های آبی و برداشت بیش از اندازه از منابع)، منطقه شاهد بحران شدیدی در حوزه منابع آب می باشد. مقاله بر این یافته تأکید می کند، که بحران آب از رهگذر تشدید مسائلی چون افزایش فقر، بیکاری، نابرابری، احساس تبعیض، مهاجرت، حاشیه نشینی، افت مشروعیت دولت و... تأثیر مشخصی بر ستیزه‌های اجتماعی-سیاسی در خاورمیانه داشته است (کاظمی، ۱۴۰۱: ۲۱۸). بر اساس تحقیق صورت گرفته در این پژوهش، کشورهایی که بیش از دیگر کشورهای خاورمیانه با تنش آبی و بحران آب روبرو هستند عبارت‌اند از: مصر، مراکش، سوریه، عراق، لبنان، عربستان سعودی، کویت، عمان، اردن، ایران، افغانستان و پاکستان. نکته حائز اهمیت آنست که تنش آبی برای تمامی این ۱۲ کشور به جز عمان، در افق ۲۰۳۵ تشدید خواهد شد. در همین راستا مصر که اکنون در وضعیت «متوسط» کم آبی قرار دارد، در آینده به سمت افزایش سطح این بحران به «زیاد» میل خواهد کرد. همچنین مراکش که اکنون «بسیار کم» با بحران کم آبی دست به گریبان است در افق ۲۰۳۵ به سمت تنش آبی «کم»، سوریه از وضعیت «متوسط» کنونی به بحران آبی «زیاد»، لبنان از وضعیت بحران آب «کم»، به سمت بحران «متوسط»، عربستان از وضعیت بحرانی «متوسط» به سمت «زیاد»، کویت از «کم» به «متوسط»، عمان از وضعیت آبی بحرانی «متوسط» به «کم»، افغانستان و پاکستان از وضعیت بحران آبی «متوسط» به «زیاد» پیش خواهند رفت. اما در این بررسی وضعیت آبی عراق و اردن نشان می دهد که وضعیت بحران آبی این دو کشور که اکنون در وضعیت «زیاد» قرار دارد، در افق ۲۰۳۵ به سمت وضعیت بحران آبی «بسیار زیاد» سیر خواهد کرد. گفتنی است وضعیت آبی ایران نیز از بحران «متوسط» فعلی به سمت بحران آبی «زیاد» در آینده‌ی پیش خواهد رفت (صفوی، ۱۴۰۰: ۱۴۱).

۳-۴- فرقه گرایی

امروزه پژوهشگران به نقش مذهب در شکل دهی جریان‌ها، روابط و تحولات سیاسی در جهان و بالاخص آسیای جنوب غربی اذعان دارند (نصراللهی، ۱۳۸۹: ۲۰۵). در خصوص فرقه گرایی نتایج

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مصر، کویت، عربستان سعودی و بحرین در وضعیت بحرانی به سر می‌برند در این بین، عربستان سعودی که اکنون در وضعیت کم فرقه‌گرایی به سر می‌برد، در افق ۲۰۳۵ به سمت وضعیت «بسیار کم» سیر خواهد کرد. در ادامه مصر از وضعیت کنونی بحران فرقه‌گرایی «کم» به سمت «متوسط» سیر خواهد کرد. وضعیت فرقه‌گرایی در کویت نیز در حد کنونی «کم» باقی خواهد ماند. اما پیش‌بینی می‌شود، بحرین که اکنون در وضعیت فرقه‌گرایی بحرانی «زیاد» قرار دارد، با تشدید این وضعیت در افق ۲۰۳۵، به وضعیت فرقه‌گرایی «بسیار زیاد» حرکت کند (مرکز آینده پژوهی جهان اسلام، ب، ۱۳۹۹).

۳-۵. بحران هویتی

تحولات اجتماعی در کشورهای حوزه خلیج فارس، آسیای جنوب غربی، شرق مدیترانه و شمال آفریقا به عنوان اصلی‌ترین نشانه دگرگونی در ساختار اجتماعی، سیاسی و راهبردی کشورها تلقی می‌شود. این منطقه به عنوان «منطقه کم‌رشد شکنده» در اندیشه «سائول کوهن» شناخته می‌شود. دگرگونی‌های اجتماعی در این حوزه جغرافیایی نه تنها منجر به تصاعد بحران و جابه‌جایی قدرت شده، بلکه زمینه‌های لازم برای تبدیل رقابت سیاسی به منازعه اجتماعی و جنگ داخلی را به وجود آورده است. علت اصلی تصاعد بحران در خاورمیانه را می‌توان تبدیل رقابت‌های ژئوپلیتیکی به تضادهای هویتی دانست. تحولات سیاسی خاورمیانه در سال‌های بعد از جنگ سرد تحت تأثیر ظهور پدیده هویت‌گرایی سیاسی و ایدئولوژیک قرار گرفته است. کشورهای خاورمیانه به دلیل تضادهای تاریخی گذشته بار دیگر در معرض جدال‌های امنیتی قرار گرفته‌اند (مصلی نژاد، ۱۳۹۲: ۳۶). در خصوص بحران هویت، کشورهای منطقه در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برند. ۹ کشور ایران، سوریه، پاکستان، اردن، مراکش، لیبی، افغانستان، لبنان و عراق در سطوح مختلف با این بحران دست به گریبان هستند. در این راستا بحران هویتی در ایران که اکنون در وضعیت «کم» قرار دارد، در افق ۲۰۳۵ به وضعیت «متوسط» سیر خواهد کرد. اما این بحران در سوریه از وضعیت متوسط کنونی به سمت وضعیت «کم»، افغانستان از وضعیت فعلی «زیاد» به سمت «متوسط»، لبنان از «متوسط» به «کم» و عراق از وضعیت «بسیار زیاد» به «زیاد» میل خواهد کرد. در همین حال وضعیت پاکستان امروز و افق ۲۰۳۵، «متوسط» و مراکش، لیبی و اردن هم در وضعیت بحران هویتی «کم»، ثابت باقی خواهد ماند (مرکز آینده پژوهی جهان اسلام، ب، ۱۳۹۹).

۳-۶- مشکلات جمعیتی

طبق پیش‌بینی سازمان ملل دو جمعیت بزرگ خاورمیانه یعنی ایران و ترکیه تا سال ۲۱۰۰ کاهش می‌یابند و وضعیت آن‌ها به‌عنوان گول‌های جمعیتی منطقه متزلزل می‌شود و ترکیه از ۸۵ به ۸۳ میلیون نفر و ایران از ۸۹ به ۸۰ میلیون نفر خواهد رسید. در مقابل، انتظار می‌رود دو کشور متوسط خاورمیانه یعنی عراق و یمن از نظر جمعیتی منفجر شوند و این احتمالاً اهمیت ژئواستراتژیک آن‌ها را افزایش می‌دهد. عراق از ۴۴ میلیون نفر به ۱۱۲ میلیون نفر خواهد رسید، یعنی از نصف جمعیت ایران یا ترکیه امروز به ۴۰ درصد بزرگ‌تر از هر دوی آن‌ها. و برای آنکارا و تهران احتمالاً تسلط بر عراقی که جمعیت آن از جمعیت خودشان بیشتر است، چالش برانگیزتر خواهد شد. به معنای دیگر جمعیت عراق به اندازه ۹۰ درصد جمعیت شورای همکاری خلیج‌فارس و نزدیک به جمعیت ایران یا ترکیه خواهد رسید (Clawson, 2022). در خصوص بحران جمعیتی، پژوهش حاضر ۷ کشور عراق، عربستان سعودی، مصر، کویت، بحرین، قطر و لبنان را بحرانی شناسایی کرده است. در حالی که لبنان اکنون وضعیت «کم» چالش جمعیتی را سپری می‌کند، در افق ۲۰۳۵ نیز همین وضعیت را حفظ خواهد کرد. اما مشکلات جمعیتی کویت، عربستان سعودی و مصر از وضعیت کم فعلی به وضعیت «متوسط»، قطر از «متوسط» به «کم» در افق ۲۰۳۵ سیر خواهد کرد. اما در این خصوص وضعیت عراق و بحرین به مراتب نگران‌کننده‌تر است. پیش‌بینی می‌شود عراق و بحرین که اکنون در وضعیت «زیاد» مشکلات جمعیتی به سر می‌برند، در افق ۲۰۳۵ به سمت تشدید این بحران به وضعیت «بسیار زیاد» پیش بروند (مرکز آینده پژوهی جهان اسلام، الف، ۱۳۹۹).

۳-۷- پناهندگان و آوارگان

تولید کرین، کاهش حجم آب سفره‌های زیرزمینی، گسترش مناطق بیابانی و... سبب شده تا خیلی از سرزمین‌ها فرصت‌های زیست محیطی خود را از دست داده و خالی از سکنه شوند. روش‌های نامناسب کشت، استفاده از سموم و آفت‌کش‌های شیمیایی، توسعه کارخانجات صنعتی و... سبب شده تا اکوسیستم سرزمین‌های زیادی تغییر کند و در برخی کشورهای جهان سوم با پدیده خشکسالی رو به رو باشیم (شیرزاد، ۱۴۰۲). بررسی‌ها نشان می‌دهد لبنان، اردن، پاکستان، عمان، کویت، افغانستان و سوریه با بحران پناهندگان دست به گریبان هستند. در حالی که این بحران برای

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

سوریه و پاکستان که اکنون در وضعیت «متوسط» هستند، در افق ۲۰۳۵ به سمت «کم» میل خواهد کرد، وضعیت عمان و افغانستان در وضعیت کنونی «متوسط» باقی خواهد ماند. در همین حال پیش‌بینی می‌شود لبنان با بهبود وضعیت «متوسط» فعلی، در افق ۲۰۳۵ به سمت کاهش بحران به «کم» حرکت کند. کویت و ترکیه نیز وضعیت فعلی «متوسط» خود را به «کم» در افق ۲۰۳۵ کاهش خواهد داد. اما اردن که اکنون در وضعیت بحران پناهندگان «زیاد» قرار دارد، در افق ۲۰۳۵ پیش‌بینی حرکت به سمت وضعیت «خیلی زیاد» را پیش رو دارد (مرکز آینده پژوهی جهان اسلام، ج، ۱۳۹۹).

۳-۸- بحران بدهی

به نظر می‌رسد، بحران‌های مالی ثبات کشورهای مسلمان را در آینده تهدید می‌کند. علیرغم همسویی نادری از عناصر مساعد برای تغییر، اصلاح اقتصاد از نظر سیاسی برای بسیاری از این کشورها چالش برانگیز باقی خواهد ماند (DIWAN, 2022). بحران بدهی زمانی رخ می‌دهد که یکی از وام‌گیرندگان عمده نتواند طبق برنامه‌ریزی مقرر انجام گرفته، اصل و سود وام‌های دریافتی خود را پرداخت نماید (صمدی نیا، ۱۳۹۹). کویت، عراق، مصر، بحرین، لبنان و ترکیه از جمله کشورهایی هستند که بدهی‌های آن‌ها به مرز بحران رسیده است. در حالی که کویت، عراق و ترکیه در وضعیت کنونی «متوسط» به لحاظ بحران بدهی‌ها به سر می‌برند، پیش‌بینی می‌شود این بدهی‌ها در افق ۲۰۳۵ به سمت کاهش پیش رود.

این در حالیست که وضعیت «متوسط» کنونی مصر در شاخص بحران بدهی‌ها، در افق ۲۰۳۵ به سمت افزایش میل خواهد کرد؛ اما لبنان با کاهش بحران، در افق ۲۰۳۵، وضعیت کنونی متوسط را به «کم» کاهش خواهد داد. با این حال، پیش‌بینی می‌شود اردن و بحرین که در وضعیت «زیاد» بحران بدهی‌ها به سر می‌برند، در افق ۲۰۳۵ به سمت شرایط سخت‌تر و وضعیت «بسیار زیاد» میل کنند (مرکز آینده پژوهی جهان اسلام، ج، ۱۳۹۹).

۳-۹- وابستگی رانتی

دولت رانتیر به دولتی گفته می‌شود که از منابع مستقل مالی به جز مالیات از جامعه برخوردار بوده و بنابراین با استقلال بیشتری می‌تواند سیاست‌ها و خواست‌های دولتی را به اجرا گذارند. هر

تحلیل بحران‌های امنیتی خاورمیانه در افق ۲۰۳۵

دولتی که ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمدش از رانت خارجی باشد، دولت رانتیر قلمداد می‌شود (مراد، ۱۳۹۹: ۴۴).

۱۰ کشور قطر، ایران، کویت، افغانستان، لبنان، عربستان سعودی، مصر، عمان، اردن و بحرین با چالش وابستگی رانتی روبرو هستند. در حالی که پیش‌بینی می‌شود بیشتر این کشورها از جمله کویت، با وضعیت «کم»، افغانستان با وضعیت «بسیار زیاد»، لبنان، مصر و عمان با وضعیت «متوسط» و اردن با وضعیت «زیاد» در افق ۲۰۳۵ هم به همین اندازه با این بحران روبرو هستند، بررسی‌ها نشان می‌دهد که وابستگی رانتی ایران و قطر که اکنون «کم» است، در افق ۲۰۳۵ به سمت «متوسط» میل خواهد کرد. در همین حال عربستان سعودی وضعیت «متوسط» کنونی خود را به سمت «کم» تنزل خواهد داد. این در حالیست که پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که وضعیت وابستگی رانتی بحرین که اکنون «زیاد» است در افق ۲۰۳۵ به سمت «بسیار زیاد» پیش خواهد رفت (مرکز آینده پژوهی جهان اسلام، ب، ۱۳۹۹).

۳-۱۰- فرار مغزها

نتایج بررسی محققان نشان می‌دهد که کشورهای ایران، اردن، لبنان، ترکیه و امارات متحده عربی کشورهای متضرر از فرار مغزها بوده‌اند و سایر کشورهای مورد بررسی، از این امر منتفع شده‌اند. بر اساس پژوهش صورت گرفته، فرار مغزها در ایران، افغانستان، سوریه، لبنان و پاکستان به مرز بحرانی رسیده است. در حالی که پاکستان و لبنان با وضعیت «کم» و سوریه با وضعیت «متوسط»، همین وضعیت را در افق ۲۰۳۵ نیز حفظ خواهند کرد، ولی پیش‌بینی می‌شود که وضعیت متوسط افغانستان در فزار مغزها رو به بهبودی و وضعیت متوسط فعلی ایران رو به شرایط بحرانی‌تر سیر کند (مرکز آینده پژوهی جهان اسلام، ب، ۱۳۹۹).

۳-۱۱- بحران تقسیم آب

در دهه اخیر کمبود آب شیرین یکی از ریشه‌های اصلی رویارویی در خاورمیانه و آسیای جنوب غربی بوده است، تا آنجا که پاره‌ای از کشورهای این منطقه به رویارویی نظامی با یکدیگر برخاسته‌اند به طوری که به گفته بسیاری از مقامات کشورهای حاضر در این منطقه جنگ بعدی در خاورمیانه نه بر سر سیاست، بلکه بر سر آب رخ خواهد داد (بیران، ۱۳۹۸: ۹).

در این بخش پژوهش منحصرأ بر وضعیت بحرانی حاکم بر تقسیم آب و حقا به منابع آبی منطقه با منشا متفاوت تمرکز کرده است. در این راستا چند حوزه آبریز مشترک بین ایران و افغانستان، ترکیه، سوریه و عراق، همچنین حوزه مشترک بین مصر، سودان شمالی و اتیوپی پرداخته است. در این راستا بحران تقسیم حقا به در حوزه آبریز هامون بین ایران و افغانستان در حال حاضر در وضعیت «بسیار کم» قرار، در حالی که پیش‌بینی می‌شود این بحران در آینده ۲۰۳۵ به سمت افزایش پیش رود. در ادامه و در حوزه آبریز دجله و فرات، بین سوریه و ترکیه در وضعیت بحرانی «کم» قرار دارد، در افق ۲۰۳۵ به سمت وضعیت «متوسط» پیش خواهد رفت. اختلافات ترکیه و عراق هم بر در تقسیم آب بین طرفین رو به رشد است و در حالی که در حال حاضر وضعیت بحران تقسیم آب، «کم» است، پیش‌بینی می‌شود این رقم در افق ۲۰۳۵ رو به بحران «متوسط» گذارد. بحران تقسیم آب بین سودان شمالی و مصر برای حوزه آبریز نیل نیز در حال حاضر «کم» است، اما پیش‌بینی می‌شود در چشم انداز ۲۰۳۵ به سمت افزایش پیش رود. مصر همچنین با اتیوپی بر سر تقسیم آب اختلاف دارد، که منجر به بحرانی شدن وضعیت شده است. در حالی که این بحران در حال حاضر «متوسط» وزن‌دهی شده است، به نظر می‌رسد در آینده ۲۰۳۵ به سمت تشدد و «زیاد» شدن پیش خواهد رفت (صفوی، ۱۴۰۰: ۱۸۹).

۳-۱۲- بحران‌های مرزی و ارضی

نقش عوامل جغرافیایی در بروز تنش بین کشورها بسیار قابل توجه است. به‌ویژه از آن جهت که تنش بر سر عوامل جغرافیایی در زمره بحران‌های ژئوپلیتیکی قرار می‌گیرد که این بحران‌ها بسیار دیر پا بوده و به‌خاطر این که پای ارزش‌های جغرافیایی در میان است، حکومت‌ها نیز کمتر می‌توانند در گفتگوهای سیاسی بر سر این موضوعات بده بستان کنند. در این پژوهش، بحران‌های ارضی و مرزی بین کشورهای منطقه نیز به صورت دو به دو مورد بررسی قرار گرفته است. در این حالت، اختلافات مرزی ایران با امارات متحده عربی، اختلافات مرزی و ارضی عربستان سعودی با یمن، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، مصر و عمان، همچنین اختلافات مرزی مراکش با اسپانیا و صحرای غربی، مصر و سودان شمالی، همچنین پاکستان با افغانستان و سوریه با اسرائیل مورد واکاوی و وزن‌دهی قرار گرفته است (صفوی، ۱۴۰۰: ۲۹۸).

تحلیل بحران‌های امنیتی خاورمیانه در افق ۲۰۳۵

از بین بحران‌های مرزی شناسایی شده، تنش‌های مرزی بین عربستان سعودی با عمان و یمن و کویت، همچنین اختلافات مرزی مراکش و اسپانیا اکنون و در افق ۲۰۳۵ «بسیار کم» تخمین زده شده است. در همین راستا اختلافات مرزی و ارضی مصر با سودان شمالی و عربستان سعودی با قطر هم اکنون و در افق ۲۰۳۵ «کم» تخمین زده شده است.

همچنین پیش‌بینی می‌شود اختلافات مرزی امارات عربی متحده با عربستان سعودی که اکنون در مرحله‌ی «متوسط» قرار دارد، در ۲۰۳۵ به سطح «کم» از بحران تقلیل یابد. این در حالیست که پیش‌بینی می‌شود تنش مرزی بین بحرین و قطر که اکنون در وضعیت «متوسط» قرار دارد، در آینده‌ی ۲۰۳۵ به وضعیت «زیاد» افزایش یابد.

گفتنی است تحلیل‌ها حاکی از آن است که تنش مرزی میان عربستان سعودی با مصر و بحرین که اکنون در مرحله‌ی «بسیار کم» قرار دارد، در افق ۲۰۳۵ به وضعیت «کم» تقلیل یابد. در حالی که اختلافات ایران و امارات متحده عربی بر سر جزایر سه گانه در حال حاضر «متوسط» تخمین زده شده است، این بحران در افق ۲۰۳۵ به مرحله «زیاد» خواهد رسید. لازم به ذکر است بحران مرزی سوریه و رژیم صهیونیستی که اکنون در وضعیت «متوسط» وزن‌دهی شده است، در افق ۲۰۳۵ به وضعیت بحرانی «زیاد» وزن‌دهی شده است. اختلالات مرزی افغانستان با پاکستان نیز که اکنون «کم» رتبه‌بندی شده است، در آینده ۲۰۳۵ به «متوسط» تشدید خواهد شد (صفوی، ۱۴۰۰: ۲۸۸).

۳-۱۳- تنش با همسایگان و کشورهای منطقه

بی‌تردید منطقه خاورمیانه، از مهم‌ترین مناطقی است که تمرکز و توجه بسیاری از بازیگران بین‌المللی را به خود معطوف کرده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشورهای اسلامی و منطقه، تنش‌های روبه‌رشد این کشورها با یکدیگر است. موضوع چگونگی تقسیم آب رودخانه‌های فرامرزی، اصلی‌ترین چالش در بین کشورهای دارای حوضه‌های آب مرزی و مشترک است (Wolf, 2019: 2) که اهمیت آن در مناطق خشک و نیمه خشک بیشتر است. برخی از این تنش‌ها مانند تنش‌های عربستان با ایران، ترکیه، قطر، همچنین تنش‌های رو به رشد قطر با بحرین، امارات متحده عربی با ایران، مراکش و الجزیره، مصر و سودان، پاکستان و افغانستان، و اسرائیل با ایران، اردن، لبنان و سوریه از جمله مهم‌ترین تنش‌های منطقه هستند که به وضعیت بحرانی رسیده‌اند

عطاری و آوریده، ۱۳۹۶: ۲۸۶)، که این پژوهش در راستای تحلیل شرایط بحرانی فعلی و افق ۲۰۳۵ گام برداشته است.

در این خصوص، تحلیل تنش‌های امروز و افق ۲۰۳۵ ایران با عربستان و امارات متحده عربی در وضعیت «متوسط» قرار دارد و تنش‌های عربستان سعودی با ایران اگرچه اکنون در وضعیت «زیاد» قرار دارد، اما پیش‌بینی می‌شود که به سمت کاهش و وضعیت «متوسط» حرکت کند. در خصوص تنش‌های ایران و اسرائیل و همچنین عربستان سعودی با ترکیه هم باید گفت این بحران‌ها هم اکنون و هم در آینده افق ۲۰۳۵، در وضعیت «زیاد» قرار دارند.

در ادامه و به خصوص پس اوج‌گیری تنش‌ها بین قطر و برخی کشورهای عربی، شاهد بحرانی شدن روابط در منطقه خلیج فارس بوده‌ایم. در این راستا پژوهش نشان می‌دهد که بحران روابط قطر و بحرین که امروز در وضعیت «متوسط» وزن‌دهی شده است، در افق ۲۰۳۵ به سمت تشدید و وضعیت «زیاد» پیش خواهد رفت. اما روابط قطر با امارات عربی که اکنون در وضعیت «متوسط» وزن‌دهی شده است، در افق ۲۰۳۵ نیز در همین وضعیت باقی خواهد ماند. از طرفی تنش‌های قطر با عربستان که امروزه «متوسط» شناخته شده، در افق ۲۰۳۵ به سمت تقلیل به وضعیت «کم» پیش خواهد رفت. همین‌طور تنش‌های عربستان سعودی با قطر که اکنون «زیاد» وزن‌دهی شده است، پیش‌بینی می‌شود در آینده به سمت وضعیت «متوسط» میل کند.

در ادامه باید گفت در حالی که تنش‌های ایران و بحرین در افق ۲۰۳۵ نیز در وضعیت کنونی «متوسط» باقی خواهد ماند، تنش‌های بحرین با ایران وضعیت «زیاد» کنونی خود را در آینده نیز حفظ خواهد کرد. گفتنی است تنش‌های سودان و مصر در وضعیت کنونی «بسیار کم» باقی خواهد ماند، اما تنش‌های منطقه‌ای مراکش با الجزایر از وضعیت «کم» کنونی به وضعیت «متوسط» در افق ۲۰۳۵ خواهد رسید. در خصوص افزایش تنش‌ها در افق ۲۰۳۵ باید گفت که بررسی‌ها پیش‌بینی می‌کند که بحران بین افغانستان و پاکستان، همچنین لبنان با رژیم صهیونیستی که امروزه در وضعیت «متوسط» قرار دارد در افق ۲۰۳۵ به سمت تشدید و وضعیت «زیاد» پیش خواهد رفت. لازم به ذکر است که تنش‌ها میان اردن و رژیم اسرائیل در افق ۲۰۳۵ در وضعیت نگران‌کننده‌ی بحرانی «بسیار زیاد» باقی خواهد ماند (صفوی، ۱۴۰۰: ۴۵۱).

۳-۱۴- بحران عدم کنترل مؤثر سرزمینی (بحران حاکمیت)

عدم کنترل مؤثر بر مرزهای سرزمینی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بحران‌های جهان اسلام شناخته شده است. لیبی، افغانستان، سوریه و مصر از جمله کشورهایی هستند که عدم کنترل بر بخش‌هایی از خاک آن‌ها، به بحرانی برای این کشورها تبدیل شده است. در حالی که سوریه و افغانستان، در وضعیت «زیاد» بحران عدم کنترل به سر می‌برند، به نظر می‌رسد این وضعیت در افق ۲۰۳۵ نیز تغییری نخواهد کرد.

لیبی نیز که اکنون در وضعیت «متوسط» (در بازه مورد بررسی) این بحران به سر می‌برد در آینده در همین سطح باقی خواهد ماند. این بحران برای مصر در افق ۲۰۳۵ از وضعیت «زیاد» کنونی به وضعیت «متوسط» تقلیل خواهد یافت (مرکز آینده پژوهی جهان اسلام، ب، ۱۳۹۹).

۳-۱۵- فعالیت گروه‌های تروریستی

مدل ذهنی گروه‌های تروریستی شامل عقاید (ترجیح نقل بر عقل، فقه التکفیر، سلفی‌گری و حافظه گذشته گرا، نص‌گرایی جمودی)، استعاره‌ها (بدعت، شریعت، جهاد، خلافت و خلیفه)، فضای زندگی (نابهنجاری بازتولید شده در خانواده، احساس محرومیت نسبی)، خاستگاه زیستی-روانی (دونیمگی و تفکر سیاه - سفید و همه یا هیچ، مرگ پرستی، خشونت بدخیم، سلطه غریزه، هذیان عظمت و خودستایی مرضی، شخصیت ضد اجتماعی)، گروه (حس تعلق و خویشاوندی ساختگی، خطر به مثابه ارزش، فشار اطاعت و موفقیت) و بحران هویت (مناقشه و تداخل فرهنگی، هژمونی غرب و حقارت عرب، احیای شکوه اسلامی) است (اقبال، ۱۳۹۷: ۵۹). در مورد بحران فعالیت گروه‌های تروریستی، باید گفت که لیبی، عراق، کویت و لبنان، سوریه، پاکستان و افغانستان در وضعیت خوبی به سر نمی‌برند. در حالی که وضعیت بحران «بسیار کم» کویت در آینده به سمت تشدید وضعیت پیش می‌رود، به نظر می‌رسد لیبی و عراق در افق ۲۰۳۵ با بهبود وضعیت فعلی «متوسط» به سمت بحران «کم» پیش خواهند رفت. لبنان نیز که اکنون در وضعیت «کم» بحرانی قرار دارد، در آینده به سمت وضعیت «بسیار کم» پیش خواهد رفت. همچنین سوریه به سمت کنترل این بحران پیش می‌رود و پاکستان و افغانستان به سمت تشدید بحران خواهند رفت (صفوی، ۱۴۰۰: ۵۲-۴۹).

۳-۱۶- فعالیت احزاب سیاسی رادیکال اسلام‌گرا

پدید آمدن جنبش‌های اسلامی در منطقه به عواملی چون هجوم گسترده غرب و نگرش‌های آنان به سمت جهان اسلام و انحطاط سیاسی و ضعف ساختارهای درونی در برخی از کشورها برمی‌گردد. با آغاز جنبش‌های بنیادگرا و رادیکالیسم هر یک خوانش‌هایی را از دین ارائه داده و باعث حزب‌سازی و دسته‌بندی شده‌اند. از این‌رو عوامل چالش‌زا میان مدرنیته و اسلام بحران‌هایی نظیر؛ بحران هویت، بحران توزیع، بحران مشارکت به وجود آورده که با فراگیر شدن از خود بیگانگی توسط حاکمان کشورهای اسلامی، عدم پذیرش دلیل حاکمان توسط مردم، عدم توزیع عادلانه قدرت و ثروت و نیز وابستگی در تأمین امنیت مواجه شده‌اند. شاید در نزاع کلی‌تر، نزاع تمدنی اسلام و تمدن غرب در حال شکل‌گیری باشد (سعید، ۱۳۹۹: ۵۵). در این راستا، عربستان سعودی، مصر و لیبی از جمله کشورهایی هستند که با چالش فعالیت احزاب تندروی اسلامی روبرو هستند. در حالی که لیبی و مصر از وضعیت متوسط فعلی به سمت تشدید این بحران در افق ۲۰۳۵ پیش می‌روند، برعکس عربستان سعودی در افق ۲۰۳۵، وضعیت «متوسط» حاضر به سمت کاهش آن بحران پیش می‌رود.

۳-۱۷- وضعیت دموکراسی

شاخص دموکراسی درباره وضعیت دموکراسی کشورهای جهان است. این شاخص بر ۵ عامل مبتنی است که عبارت‌اند از: فرایند انتخاباتی و کثرت‌گرایی، آزادی‌های مدنی، عملکرد حکومت، مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی. یکی از دغدغه‌های همیشگی نسبت به نظام‌سازی در منطقه‌ی غرب آسیا، عدم وجود مدل سیاسی مطلوب برای کشورهای این منطقه بوده است. به استثنای تعداد معدودی از این کشورها، از جمله ایران و ترکیه، بیشتر کشورهای این منطقه مدل سیاسی مطلوبی برای حکمرانی ندارند. برخی از این کشورها هنوز بر کیش اسلاف خود، بر سیستم‌های پادشاهی و سلطنتی حکمرانی می‌کنند و برخی با سیستم‌های توتالی‌تر و میلیتاریستی. در برخی از کشورها نیز مداخله‌ی خارجی در صدد بود تا نوعی دموکراسی وارداتی برای این کشورها به ارمغان بیاورد که به دلیل نبود بسترهای جامعه‌ی لیبرال دموکراتیک چنین امری ممکن نشد.

برای بررسی ریشه‌ای مسائل و بحران‌های سیاسی خاورمیانه، باید توجه کرد که هر کدام از جوامع، اقتضای خاص خود را نسبت به موضوع مردم‌سالاری و دموکراسی با تعریف غربی دارند. می‌توان این‌گونه نیز بیان کرد که به دلیل شرایط و وضعیت خاص هر جامعه، دموکراسی در آن

تحلیل بحران‌های امنیتی خاورمیانه در افق ۲۰۳۵

جوامع متفاوت خواهد بود. علاوه بر تعریف‌های عمومی مردم‌سالاری، در خیلی از قضایای وابسته به موضوع دموکراسی یا موضوعات فرعی، هر جامعه‌ای شرایط خاص خود را دارد. لذا قطعاً به‌عنوان یک الگو، موضع مشترکی درباره‌ی موضوع دموکراسی وجود ندارد. اساساً، در جوامع اسلامی، غربی، شرق آسیا و حتی در جوامع تابع بودیزم، دموکراسی تعریف واحدی ندارد. در مورد وضعیت دموکراسی، به نظر می‌رسد عربستان سعودی و سوریه و بحرین در بحرانی‌ترین وضعیت قرار دارند، پس از آن، ایران، افغانستان و لیبی در وضعیت «زیاد» از بحرانی بودن قرار دارند. ترکیه، عمان، پاکستان و مراکش نیز در وضعیت «متوسط» از بحران دموکراسی قرار دارند (مرکز آینده پژوهی جهان اسلام، ح، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری

محیط خاورمیانه به واسطه تاریخ طولانی و تنوع ساختاری خود همواره مستعد شکل‌گیری بحران‌های متعددی بوده است. این بحران‌ها گاه در قامت تعارضات مذهبی و قومیتی، اختلافات مرزی، تعارضات ایدئولوژیک یا به واسطه‌ی رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و گاه در قالب مشکلات اقتصادی و اجتماعی ریشه‌دار، آلودگی هوا، فقدان دموکراسی و مسایل حقوق بشری نمود پیدا می‌کنند. پژوهش پژوهشی حاضر تلاش کرد تا با شناسایی بحران‌ها و وزن‌دهی به هر یک از آن‌ها، پربسامدترین آن‌ها را در بین کشورهای منطقه شناسایی کند. پس از طی فرآیندهای پژوهشی، پژوهش حاضر بحران‌های بیکاری، آلودگی هوا، کم‌آبی، فرقه‌گرایی، بحران هویتی، مشکلات جمعیتی، پناهندگان و آوارگان داخلی، بحران بدهی، وابستگی رانتی، فرار مغزها، بحران تقسیم آب، بحران‌های مرزی و ارض، تنش با همسایگان و کشورهای منطقه، بحران نقض حقوق بشر، بحران عدم کنترل مؤثر بر بخشی از زمین، فعالیت گروه‌های تروریستی، فعالیت احزاب سیاسی اسلام‌گرا، وضعیت دموکراسی، به‌عنوان پربسامدترین بحران‌های منطقه‌ی خاورمیانه شناخته شده‌اند که با استفاده از پنل نخبگان قوی، افق ۲۰۳۵ این بحران‌ها نیز بررسی گردد.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

در جدول زیر، بحران‌هایی که در سال ۲۰۳۵، به سمت تشدید شدن پیش می‌روند به تفکیک نوع بحران و کشورهای درگیر در آن آورده شده است که می‌تواند برای تصمیم‌سازان و کنشگران صلح و امنیت مد نظر قرار گیرد:

ردیف	نوع بحران	کشور درگیر
۱	بیکاری	ایران، عراق، اردن و بحرین
۲	آلودگی هوا	ایران، عمان، عراق، مصر و افغانستان
۳	کم آبی	مصر، مراکش، سوریه، عراق، لبنان، عربستان، کویت، اردن، افغانستان و پاکستان
۴	فرقه‌گرایی	بحرین و مصر
۵	بحران هویتی	ایران
۶	مشکلات جمعیتی	عراق، بحرین، کویت، عربستان و مصر
۷	پناهندگان و آوارگان داخلی	اردن
۸	بحران بدهی	اردن، بحرین و مصر
۹	وابستگی رانتهی	ایران و قطر
۱۰	فرار مغزها	ایران
۱۱	بحران تقسیم آب	ایران، افغانستان، سوریه، عراق و مصر
۱۲	بحران‌های مرزی و ارضی	عربستان، قطر، مصر، بحرین، ایران و امارات
۱۳	تنش با همسایگان و کشورهای منطقه	قطر، بحرین و مراکش
۱۴	بحران عدم کنترل مؤثر بر بخشی از زمین	لیبی، افغانستان و سوریه
۱۵	فعالیت گروه‌های تروریستی	کویت
۱۶	فعالیت احزاب سیاسی رادیکال اسلام‌گرا	لیبی و مصر
۱۷	وضعیت دموکراسی	عربستان، سوریه و بحرین

منابع و مآخذ

- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۹). نظریه ساختار ژئوپلیتیکی نوظهور جهان. ژئوپلیتیک، ۶(۱۹)، ۸-۱.
- کاظمی، حجت. (۱۴۰۱). تغییرات اقلیمی، بحران آب و ستیزه‌های اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه. سیاست دفاعی، ۳۱(۱۲۰)، ۲۱۷-۲۵۵.
- نصراللهی، فرشته. (۱۳۸۹). مذهب، فرقه گرایی و منازعه در آسیای جنوب غربی. مطالعات سیاسی، ۳(۱۰)، ۱۸۹-۲۰۵.
- مصطفی نژاد، عباس. (۱۳۹۳). تسری رقابت های ژئوپلیتیکی به تضادهای هویتی در خاورمیانه. سیاست جهانی، ۳(۳)، ۷-۳۶.
- شیرزاد، حسین. (۱۴۰۲). پناهندگان اقلیمی، انرژی و تغییرات اکولوژیکی در خاورمیانه. قابل بازیابی در پیوند زیر: <https://www.mehrnews.com/news/5819605>
- صمدی نیا، ایمان. (۱۳۹۹). روند بحران بدهی جهانی و چشم‌انداز پیش‌رو. شورای راهبردی روابط خارجی.
- سیف، اله مراد. (۱۳۹۹). تبارشناسی تهدیدهای نرم اقتصادی علیه ایران اسلامی جمهوری. مطالعات بسیج، ۱۲(۴۴)، ۵۹-۹۲.
- مرکز آینده پژوهی جهان اسلام. (الف ۱۳۹۹). مصاحبه با مصطفی احمدی.
- مرکز آینده پژوهی جهان اسلام. (ب ۱۳۹۹). مصاحبه با محمدعلی مهتدی.
- مرکز آینده پژوهی جهان اسلام. (ج ۱۳۹۹). مصاحبه با حسن کوشکی.
- عطاری، جلال و آوریده، فریبا. (۱۳۹۶). بررسی تحلیلی قراردادهای آب‌های مرزی ایران با همسایگان. مطالعات حقوق انرژی، ۳(۲)، ۳۰۸-۲۸۵.
- اقبال، حدیث. (۱۳۹۷). تبیین خاستگاه های شناختی و ترسیم مدل ذهنی گروه تروریستی داعش. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶(۵۴)، ۲۷۵-۲۴۵.
- بابی اس، سعید. (۱۳۹۹). هراس بنیادین اروپا مداری و ظهور اسلام گرایی. ترجمه غلامرضا جمشیدی ها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- بران، صدیقه و هنریخس، نازلی. (۱۳۹۸). بحران وضعیت آب در ایران و جهان. پژوهشنامه مطالعات توسعه پایدار و محیط زیست، شماره اول، تهران، اندیشه برتر پویا، ۹.
- صفوی، سید حمزه. (۱۴۰۰). بحران‌های ژئوپلیتیکی غرب آسیا و شمال آفریقا. تهران: انتشارات دانشگاه.
- Baron. A.H. (1969). Communities in disaster: A sociological analysis of collective stress situations. New York

- Dror, Y. (1999). A colloquium on questionable assume pc. Beyond uncertainty, facing the inconceivable. Technological forecasting and social change: An In emotional Journal 62 (1-2), 151.
- Erikson, K. (1994). A new species of trouble: Explorations indisaster, trauma and community. London: W.W. Norton & Company, pp: 12
- Hermann F. Charles,(1969) "International Crisis as a Situational Variable," in James N.Rosenau,New York University, p. 414.
- Hills, A. (1998). Seduced by recovery: The consequences of misunderstanding disaster. Journal of Contingencies and Crises Management,pp: 161-166
- McClelland A. Charles (1977), "Crisis and Threat in the International Setting: Some Relational Concepts," unpublished memo cited in Michael Brecher, "Toward a Theory of International Crisis Behavior," International Studies Quarterly, 21 (March 1977). 39-10.
- Oberschall, Anthony (2007), "Conflict and Peace Building in Divided Societies: Responses to Ethnic Violence", Routledge.
- Raphael, B. (1986). When disaster strikes: A handbook for the caring professions. London: Unwin Hyman. Manchester: Manchester
- Roberts M. Jonathan. (1988). Decision-Making during International Crises. Palgrave Macmillan, London, PP:141
- Robinson A James. (2002). An Appraisal of Concepts and Theories. in Charles F. Hermann, ed., op. cit., p. 27.
- Robinson, J.A. (1969). Crisis decision-making: An inventory and appraisal of concepts, theories, hypotheses, and techniques of analysis. Political Science Annual
- Rosenthal, M.T. Charles and P. 't Hart (Eds.), Coping with crises: The management disasters, riots, and terrorism Springfield. IL: Charles C Thomas, pp. 256-277,
- Snyder Glenn Herald. (1977). *Conflict Among Nations: Bargaining, Decision Making, and System Structure*. Princeton Uni Press
- Krishna Kumar. (2020). Crisis Beyond the Crises - MENA's Youth Unemployment Problem, 2020, Available at: <https://www.cirsd.org/en/horizons/horizons-spring-2020-issue-no-16/crisis-beyond-the-crises-menas-youth-unemployment-problem>
- Tadic, I. et al. (2022). Net ozone production and its relationship to nitrogen oxides and volatile organic compounds in the marine boundary layer around the Arabian Peninsula. Atmos. Chem. Phys. 20, 6769-6787.
- Clawson Patrick. (2022). Changing Population Patterns Will Reshape the Middle East, Washington Institue, Nov 22, 2022, Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/changing-population-patterns-will-reshape-middle-east>
- DIWAN ISHAC. (2023). The New Debt Crisis of the Middle East: Political Economy to the Rescue?, Carnegie-mec, Available at: <https://carnegie-mec.org/2023/06/13/new-debt-crisis-of-middle-east-political-economy-to-rescue-pub-89952>
- Wolf, A.T. (2019). Criteria for equitable allocations: The heart of international water conflict. Natural Resources Forum, Vol. 23, 3- 30.